



هفته نامه طنز مردم مشهد
شیمه روزنامه شهرآرا
شماره نهم | تاریخ: ۲۵ مرداد ۱۳۹۷
palakmoon.tanz

مهدی استاد احمد



پس از حال و طرب فرهیخته می‌شن
میاد پایین تا تب فرهیخته می‌شن
چقد بامزه و شیرین و جالب
که بعد از عزل عجب فرهیخته می‌شن

کنایه ربیعی به لاریجانی: برایت کتاب «شازده کوچولو» را می‌فرستم.



نمک بهداشتی، ترازوی آبگوشتی

- اگه بخوای به کارگاه تولیدی راه بندازی، چی می‌زنی؟
- کارخانه تصفیه نمک!
- چرا نمک؟
- مردم حق دارند نمک بهداشتی بخورند!
- من بگم چی بسازی؟
- نع!
- چرا خب؟
- اینجا من جواب می‌دم!
- چطور توی مصاحبه‌ها خیلی‌ها در جواب خبرنگار و مجری می‌گن: «من از شما می‌پرسم!» حالا «منم می‌خوام به شما جواب بدم!» به نظرم تولیدی ترازوی هوشمند بزن!
- چرا ترازو؟
- حق مردم فقط نمک بهداشتی نیست. ترازوی بهداشتی هم حقشونه! ترازویی که بی‌طرف نباشد. من از شما می‌پرسم: «یک کیلو طلا با یک کیلو پیاز برابره؟!» پس لازمه به ترازو بسازیم که معلوم کنه کت تن کیه!
- بد هم نمی‌گی. بهش فکر می‌کنم! وایسا ببینم! تیکه انداختی، آره؟
- آخه سازنده برنامه به دوربین زل می‌زند، از به شرکت‌کننده اعلام حمایت می‌کند؟!!
- آدم توی خونه‌اش هم نمی‌تونه به کم دموکراسی داشته باشد؟ خب منم آدمم! ازش خوشم اومده. این نظر منه. نگم؟
- بدی چند شغله بودن، همینه دیگه. باز خوبه تو دوشغله‌ای. هم سرگروهی، هم برنامه‌ساز. اونا که ۱۰ تا شغل دارند رو بگو!
- خب ببین! مخاطب خودش می‌فهمه من کی در نقش برنامه‌ساز حرف می‌زنم، کی در نقش سرگروه! من در نقش سرگروه زیر بغل آیت هندونه‌کاری کردم!
- ما از کجا بفهمیم تو کی سرگروهی و کی برنامه‌ساز؟! تابلوه! از نگاهم. هر وقت به شرکت‌کننده مقابل چشم‌غره رفتم، یعنی اون موقع من سرگروهم.
- آخه همون موقع گفتی «این یکی از بهترین استندآپ‌کارهای خندونه است!» پس برنامه‌ساز بودی که!
- ممکنه جمله به جمله فرق کنه. می‌دونی؟ سرعت عمل مخاطب باید بره بالا. بدونه توی کدوم جمله من سرگروهم، توی کدوم جمله برنامه‌سازم. تازه اینکه چیزی



محمدعلی مؤمنی

- نیست. می‌خوام ریتمش رو بیشتر کنم! کلمه به کلمه جام رو عوض کنم. به این می‌گن چندصدایی باختینی! سیال ذهن هم می‌گن! حالا برای اینکه ضریب هوشی شما پاییننه از این به بعد با رنگ مشخص می‌کنیم. با رنگ صورتی برنامه‌سازم، با رنگ قهوه‌ای سرگروهم.
- حالا که اون یکی شرکت‌کننده رو صاف کردی.
- خوب کاری کردم. زحمت کشیده‌ام، برنامه ساختم، دلم می‌خواد. تا اونا باشند دیگه نرن توی گروه دیگران!
- باید چه‌کار کنن؟!!
- باید تقلا کنن بیان تو گروه من! هر کی تو گروه من نیست، همینه!
- نبرد گلابیاتوری که نیست. مردم می‌خوان بخندند!
- آره، آره، اتفاقا منم می‌خواستم کاری کنم مردم بخندند. طنز همینه دیگه. همین که وقتی یکی به روحیه نیاز دارد، بیای روحیه‌اش رو آبیاری کنی! ضایعش کنی. تازه اینا که چیزی نیست، ما واسه خندیدن مردم اگه لازم باشد، شرکت‌کننده رو کتک هم می‌زنیم. بامزه می‌شه‌ها! نه؟!!
- بابا آسیب دید اون طفلی!
- مصدومیتش جدی نبود. تازه شانس آوردیم برنامه طنزه. آسیب‌دیدگی‌اش هم روحیه که خوب می‌شه. مصدومیت جسمی که نیست. پات بشکند دو ماه باید تو گج باشد. روحی باشد، پنج دقیقه بعد خوب می‌شه.
- باورت می‌شه می‌خواستم برنامه قوی‌ترین مردان بسازم؟ یا به مسابقه ورزشی. اون جور ی کسی جفت پا می‌رفت تو حلقش، خوب بود؟!!
- هم‌گروهی‌ات جایزه رو می‌برد، ولی این جایزه‌ها خوردن نداردها!
- خوبم خوردن دارد. حتی اگه نبرد هم می‌گم خانواده‌اش به جایزه بخزند، بیارن، سر صف بهش بدیم!
- اپلیکیشن رأی‌گیری برنامه بی‌طرفه؟!!
- آره. اپلیکیشن خودش هم حق رأی دارد. رأی‌ها رو هم تحلیل می‌کند ببیند کی باید با فلان درصد آرا برنده بشه.
- حالا این‌بار که گذشت. ولی دیگه نکن.
- اصلا می‌دونی چیه؟! همون بهتر دکتر پورحسین بیاد مجری «خندانه‌شو» بشه. این‌جوری دیگه مو لای درزش نمی‌ره!

وزیر ارتباطات: تشعشعات آنتن‌های مخابراتی ضرر ندارد



گرانی پرواز باعث کاهش جمعیت می‌شود



بعضی از پروازها هر چه گران شود مشتری خود را دارد



هرسال پاییزه!

محسن چاوشی این روزها ناراحت است. سر چی؟ سر یک مجوز؟ آقای چاوشی! یک مجوز که این قدر ناراحتی ندارد. مگر ملت که توی ماشین آهنگ گوش می‌دهند، قبل از گوش دادن به آهنگ، به شماره مجوز آن آهنگ دقت می‌کنند. مثلاً می‌گویند: آهنگ خیلی قشنگیه، ولی چون مجوز نداره، بزمن آهنگ بعدی. بعد هم مثل اینکه تصمیم گرفته‌ای بروی. تو را به خدا اگر به حرف ما گوش نمی‌دهی، حداقل به حرف آن خواننده دیگر گوش کن که می‌گوید: نرو! اگه بری جات خالیه. یا مگر یادتان رفته است که خواننده‌ای می‌گوید: اگه تو از پیشم بری شمع‌دونی‌ها دق می‌کنند، شکایت عشق تو رو به مرغ عاشق می‌کنند. آیا شما راضی هستید که شمع‌دانی‌ها دق کنند و بعد برای شکایت از شما تمیز باطل کنند. حالا درست است که سبک کارشان یک مقداری با سبک کار شما فرق می‌کند ولی در یک حوزه کاری مشترک با شما دارند کار می‌کنند. نرو که اگه بری هر روز، هر هفته، هر ماه، هرسال پاییزه!



اینجا پوسان نیست!

رشیدیان، استاندار خراسان رضوی، گفته است: باید بابت اشکالاتی که در نظام مدیریتی و تصمیمات اجرایی خود داشته‌ایم از مردم عذرخواهی کنیم. به نظر ما که عذرخواهی نشد کار. بلکه آدم باید همان اول کار بزند گریه را دم حجله بکشد. شما اگر عذرخواهی را باب کنید، مردم توقع دارند سر هر چیزی از آن‌ها عذرخواهی کنید. مثلاً وزیر بهداشت دارد ناهار می‌خورد، یکی بگوید چرا ماست من این همه پالم داره؟! یکی دیگر زنگ بزند به وزیر صنعت بگوید: این قوطی‌های حلب روغن نباتی که دو تا چرخ در جلو و دو چرخ در عقب دارند چرا این قدر گران شده‌اند؟! حتی ممکن است پا را فراتر از این حرف‌ها بگذارند و مثلاً خدای ناکرده، رویم به دیوار از مسئولان بپرسند: شما در مدتی که مسئول فلان قسمت بودی چه کار می‌کردی دقیقاً!

جیک و پوک

کجا رفته است چی توز بسته‌بسته؟!!

در حاشیه رفتن چی توز از مشهد

چنان شد شهرمان غمگین و خسته
که چی‌توز هم ز مشهد بار بسته!

اگر می‌ماند، با این وضع بازار
گمان دارم که می‌شد ورشکسته

به قدری بد شده احوال بازار
که شد تعطیل صد جا دسته دسته

ولی هرکس که پول و پارتی داشت
کماکان بر سر جایش نشسته

خدایا چپیس می‌خواهد دل من
کجا رفته است چی‌توز بسته‌بسته؟!!

در حاشیه اینکه مجتمع‌های ناایمن
مشهد با نصب پنر معرفی می‌شوند

اگر یک مجتمع ایمن نباشد
برای مردم امنیت ندارد

ولی برخورد با آن نیست آسان
چه باید کرد با این مشکل؟

ندارد نص قانون راهکاری
که دست مجرمانش را ببندد

بود کرم از خود آن مجتمع، پس
به روی یک پنر اسمش می‌آید!

خداراشکر از این بابت که قانون
همه قانون‌شکن‌ها را می‌یابد!



ارمان زمان فشمی

